





## یسور تالیسم

«یسور تالیسم» و شخصیت‌پردازی یسور تالیسمی، بیش از هر چیز تحت تأثیر تئوری‌های روانشناختی «فروید» بود. تئوری‌های فروید که مبتنی بر وجود دو اصل «خودآگاهی» و «ناخودآگاهی» است نویسنده‌گان را به خلق آثار سوررئال حرکت می‌داد.

بر اساس این شناخت که در هر انسانی یک ناخودآگاهی وجود دارد و در رویا و خواب شروع به حرکت می‌کند، نوشتن آثار رویاگونه باب شد. نویسندگانی که این روش نوشتاری را ابداع کردند معتقد بودند آنچه را که در ناخودآگاه و در حقایق وجود دارد، منعکس می‌کنند و روش «خودکار نوشتاری» را به کار می‌گرفتند و در واقع با کنار گذاشتن عقل در ایجاد ارتباط، سعی می‌کردند از عقل سانسوری فرار کنند.

به طور کلی نویسندگان در این آمیختگی رویا و واقعیت، آرمان اسلوبی خودشان را در میان شخصیت‌هایی که می‌آفریدند جستجو می‌کردند؛ واقعیت در مقابل غیر واقعیت منطبق در مقابل وهم و تصعید در مقابل ابتدال.

## ایسوردیسیم

اما «ایسوردیسیم» نیز در ادامه این راه به هر چه تأثیریکالیتت کردن جنبه‌های مختلف نمایشی کمک می‌کرد که تأثیر این جنبه‌های تئاتری بیشتر در جلوه‌های تصویری یا بیرونی اثر مشخص می‌شد تا جنبه‌های مفهومی و شخصیت‌پردازی. اما با تأکید اغراق آمیزی که معمولاً بر خصوصیات روانی شخصیت‌ها می‌شد، نوعی بزرگ‌نمایی در خلق شخصیت به وجود می‌آمد که این هم می‌توانست زمینه‌ای برای تئاتریکالیتت بودن بیشتر متن فراهم آورد. مهم‌ترین مسأله در پرداخت این نوع شخصیت‌ها، بن اندیشه‌های اصلی نمایشنامه‌های ایسورد بود که به دلیل وابستگی شدیدشان به انسان، خصوصیات خاص را طلب می‌کردند. این بن اندیشه‌ها عبارت بودند از:

۱- تنهایی انسان در دنیای بی‌خنا

۲- ناتوانی انسان در ایجاد ارتباط با یکدیگر

۳- ضعف‌های شخصیتی و بدون خصوصیات انسانی طبقه بورژوا یا سرمایه‌دار

۴- بی‌معنا بودن زندگی

همه اینها با رجوعی به نظریات «تیجه» کامل می‌شد، معمولاً شخصیت‌هایی که بر اساس این بن اندیشه‌ها خلق می‌شدند دارای رفتارهای غیر منطقی بودند و از عبارات غالباً کلیشه‌ای استفاده می‌کردند و گفت‌وگوهایشان پیش‌پاافتاده بود و آن هم به ندرت انجام می‌گرفت، مگر آنکه دو طرفه خواهان برقراری ارتباطی می‌شدند. به طور کلی باید گفت شخصیت‌های ایسورد دارای تعریفی مشخص، تعیین شده و منطقی نیستند.

## اکسپرسیونیسم

یکی دیگر از سبک‌های مهم که در اواخر عمر تئاتر مدرن شکل گرفت و تأثیر به‌سزایی چه در زمانه



نیازهای اجتماعی و در صورت یک توره تاریخی به وجود آمدند در واقع پدیده‌ای بود که به عنوان اعتراضی در مقابل مسائل جنگ (جنگ جهانی) و بعد از آن مطرح شد. «اکسپرسیونیسم» که به معنای بیان حالات روانی است انسان را در ارتباط با شرایط اجتماعی‌اش مورد بررسی قرار می‌دهد. در این سبک اگر شخصیت از نقطه نظر روانی دچار بحران‌های روحی ناشی از تضادهای اجتماعی باشد، با عکس‌العملی که ارائه می‌دهد به نحوی اعتراض به مناسبات حاکم بر جامعه‌اش دارد.

○○○

این چند سبک که برشمردیم از مهم‌ترین جریان‌هایی بودند که در دوره تئاتر مدرن شکل گرفتند و بیشترین سهم را در شخصیت‌پردازی مدرن داشته‌اند، بنابراین هر نوع شخصیتی که دارای این مشخصات باشد، جزو شخصیت‌های تئاتر مدرن محسوب می‌شود؛ علاوه بر آن به طور کلی برای تئاتر مدرن ویژگی‌هایی را برشمرده‌اند که به طور خلاصه در زیر می‌آوریم:

## ویژگی‌های کلی تئاتر مدرن

### ۱- فضای دلخواه

در آثار مدرن آنچه که بیش از همه جلب توجه می‌کند، فضای حاکم بر نمایشنامه‌هاست. تا پیش از آن فضاها عموماً از پیش تعیین شده بودند؛ فضاهایی با چهارچوب‌ها و ضوابط دقیق که نویسنده خارج از آن نمی‌توانست شخصیت‌های خود را حرکت دهد. حتی نویسندگانی هم که از وحدت‌های سه‌گانه ارسطویی پیروی نمی‌کردند، می‌بایست مکان و فضای را انتخاب کنند که با موقعیت موجود آمده برای شخصیت هماهنگی کامل داشته باشد. حتی در دوره رئالیست‌ها نیز فضای ساخته شده حدود صد مفاصل و مطابق با اصول پذیرفته شده و متناسب با موقعیت شخصیت بود. بعد از آن نویسندگان به اولین اقدامی که برای خلق نمایشنامه‌های مدرن دست زدند، ایجاد فضاهای دلخواه بدون رعایت ضوابط از پیش تعیین شده بود. این فضاهای دلخواه عامل بسیار مهمی برای خلق فضای شاعرانه در نمایشنامه‌ها شد. بنابراین شاعرانگی به معنای اعم کلمه از اصول لاینفک نمایشنامه‌نویسی مدرن قرار گرفت و نویسنده را از هر گونه قید زمانی و مکانی آزاد کرد و به پرداختن انتزاعی از شخصیت و دنیای ارائه شده و موقعیت موجود آمده برای او دست زد.

بنابراین در نمایشنامه‌های مدرن فضاها به کل دلخواهی هستند، و این فضا وقتی در سبک‌های مختلف به کار گرفته می‌شود تعریف‌های مختلف پیدا می‌کند.

### ۲- ریتم متغیر:

مسأله دیگری که در آثار مدرن وجود دارد، ریتم متغیر است. در آثار کلاسیک، ریتم کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده بود و شواهد زیادی با ریتم موجود در یک سمفونی داشت. اما نویسنده نمایشنامه‌های مدرن دیگر لزومی نمی‌بیند تا موقعیت شخصیت و روند حرکتی او را که دیگر قرار نیست از او یک قهرمان

خود و چه در دوره‌های

بعدی گذاشت «اکسپرسیونیسم» (۸) است. این سبک که معمولاً در انفسری رویایی و بیمارگونه ساخته و پرداخته می‌شود، با استفاده از دیالوگ‌هایی که نشانگر ذهنیت محض، آمیخته با اعتراض‌های تند هستند سعی در بیان حالات روحی شخصیت‌ها دارند؛ نویسندگان این سبک با استفاده از سکوت و مکث‌های طولانی در مقابل دیالوگ یا مونولوگ‌های بلند می‌خواهند تا بیماری‌های رویاگونه شخصیت را نشان دهند. کاراکترها معمولاً از حالت عادی خارج می‌شوند و مطلقاً با هیچ یک از روابط اجتماعی پذیرفته شده انطباقی نمی‌یابند. هر شخصیت تنها ذهنیت خودش را بر از می‌کند و در این مطرح کردن حالات روانی به هیچ وجه بعد اخلاقی و یا قراردادهای اجتماعی مطرح نبوده و رعایت نمی‌شود.

شخصیت‌های اکسپرسیونیستی فردیت خود را از دست می‌دهند و تبدیل به یک «سرباز»، «کلفت»، «شاعر» و... می‌شوند، و فقط با عناوین و علائم هویت می‌یابند بدون آنکه اسم خاصی داشته باشند. این نوع شخصیت‌ها در واقع الگو یا نمونه‌ای هستند که به جای شخصیت‌های فردی طراحی می‌شوند و معمولاً نماینده گروه‌های اجتماعی‌اند. اما تفاوت آنها با «تیپ» این است که در پرداخت این نوع کاراکتر به حالات روانی و فردی و خصوصیتشان اهمیت داده می‌شود و در واقع آنها تیپ‌هایی هستند که دارای خصوصیات خاص خودشان هم هستند. اما مهم‌ترین نکته در آفرینش‌های اکسپرسیونیستی، آن است که بسیار «گروتسک» و غیرواقعی هستند و در خلقشان اغراق زیادی می‌شود.

این سبک نیز همچون سایر مکاتب که بر اساس

به معنای ارسطویی کلمه ساخته و پرداخته شود، باوج و فرودهای کلاسیک تصویر کند. حالا شخصیت بنابراین تفکر خلق می شود که انسان موجودی قابل تغییر است و بر اساس موقعیتی که در آن قرار می گیرد، عکس العمل های متفاوتی از خود نشان می دهد. در پرداخت شخصیت مدرن دیگر از اصل «انسان اشرف مخلوقات» استفاده نمی شود، بلکه اصل «انسان موجودی اجتماعی است» اهمیت پیدا می کند. بنابراین نویسنده در موقعیت های متغیر ایجاد شده برای شخصیت از ریتم های متغیر هم استفاده می کند.

### ۳- ساختار اپیزودیک:

مسئله قابل بررسی دیگر در نمایشنامه های مدرن، ساختار غالباً اپیزودیک آنها است. این نوع ساختار در واقع از زمان «هوشنر» شروع شد و بعدها در آثار «پرست» افسردنویس ها و حتی در نمایشنامه های بعد از دهه پنجاه (هر چند که ساختاری تلفیقی دارند، اما هنوز در یک گرایش کلی دیده می شود.) ادامه یافت.

### ۴- طراحی یک موقعیت:

ساختار نمایشنامه های مدرن علاوه بر اپیزودیک بودن، مشخصه دیگری هم دارند و آن این است که آنها بر اساس موقعیت طراحی می شوند. پیش از این در آثار الیزابتین ... نیز شخصیت ها در موقعیت قرار داده می شدند اما آن موقعیت ها دارای یک روند تحولی بودند که آثار مدرن فاقد آن هستند.

شخصیت در آثار مدرن به هیچ وجه تحولی پیدا نمی کند، بلکه به همان شکل باقی می ماند که از ابتدا بوده است. در ساختار نمایشنامه های مدرن، یک موقعیت واحد وجود دارد که بسط داده می شود و این طراحی یک موقعیت و گسترش آن، طرح اصلی همه نمایشنامه های مدرن است، حالا در هر سبکی که باشد از رئالیسم تا اکسپرسیونیسم ... هر واقع باید گفت که جوهره و عصاره تراژدی نه

در یک روند داستانی، بلکه در یک موقعیت بسط داده شده عملکرد پیدا می کند. هنگامی که یک اثر دراماتیک در ساختار کلی خود از یک روند داستانی تشکیل شده از آغاز و اوج و پایان برخوردار می شود، طبیعتاً بیشتر خصوصیت درام را پیدا می کند تراژدی، به این دلیل هم است که به آثار رئالیستی و پیش از آنها «درام خانوادگی» می گویند. اما بر عکس هر چه در درام به موقعیت کاراکتر بیشتر نزدیک شویم، در واقع به تراژدی نزدیک تر می شویم و این اتفاق به تلخ ترین و در عین حال به ساده ترین وجه در تراژدی مدرن افتاده است. یعنی با ساده ترین موقعیت، بدون هیچ گونه روند داستانی و ساده ترین پرداخت شخصیتی، نویسنده به پیچیدگی ها و ذهنیات و فلسفه های حاکم بر زندگی انسان مدرن پرداخته است. به همین دلیل می توان گفت که عناصر تراژیک نمایشنامه های مدرن، به مراتب قوی تر از دیگر آثار دراماتیک است.

### ۵- بن اندیشه از خودیگانگی و تنهایی:

همه آثار مدرن در یک بن اندیشه وجه اشتراک دارند و آن بن اندیشه از خودیگانگی و تنهایی است. زندگی در جامعه صنعتی غرب، درگیر شدن انسان مدرن با دو جنگ جهانی، بحران های اقتصادی ناشی از تنش های سرمایه داری که حالا در این قرن به اوج خود رسیده است و ریتم تند زندگی که مغایر با طبیعت انسان است و همچنین شرایط اقتصادی ناشی از سیستم سرمایه داری حاکم بر جوامع صنعتی که عاملی برای از هم پاشیده شدن خانواده ها و روابط عاطفی بین انسان ها و تغییر ارزش های انسانی و معیارهای آن از معنویت به مادی گرایی است، همه و همه تأثیرگذار بر زندگی انسان صدسال اخیر بوده و طبیعتاً خستگی، واژدگی، بدبینی و عصبان علیه وضعیت ذکر شده، عامل بوجود آمدن نمایشنامه هایی با بن اندیشه از خودیگانگی و تنهایی بوده است.

### ۶- شخصیت پردازی در آثار مدرن:

شخصیت های آثار مدرن به طور کلی به دلیل وجود بن اندیشه از خودیگانگی و تنهایی، توانایی پایین تری از حد انسان عادی به معنای رئالیستی کلمه دارند و دچار انواع و اقسام عوامل تحمیل شده بیرونی هستند که ناشی از شرایط تاریخی و اجتماعی آنها است. این شخصیت ها گرفتار قدرت هایی هستند که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم، سر نوشت شان را به هر ترتیبی که می خواهند، رقم می زنند. پس در این به بند کشیده شدن و اسارت انسان مدرن که ناشی از شرایط تاریخی مربوط به دوره ای است که او در آن زندگی می کند، اولین عکس العمل شخصیت پناه بردن به درون خویش و انزوا گرفتن است. بنابراین در پرداخت شخصیت های مدرن، اولین مسأله ای که جلب نظر می کند، سفری درونی است که فرد از آن سود می جوید. شخصیت های مدرن از حل مسائل بیرونی مأیوس شده و به کنش و واکنشی دست می زنند که سرانجام به خودیورانی منجر می شود. در آثار کلاسیک شخصیت یا فرد جدا از

جامعه اش مورد بررسی قرار می گیرد. اما در آثار مدرن علاوه بر آنکه شخصیت از بیرون مورد خطر است، از درون هم تهدید می شود. اما عوامل بیرونی هرگز مطرح نشده و در واقع نویسنده هیچ کمکی در ارائه شرایط اجتماعی و عوامل بیرونی نمی کند تا مخاطب بتواند موقعیت جدید کاراکترها را درآید. بلکه نویسنده، شخصیت را در موقعیت قرار می دهد و مخاطب از عکس العمل های او به چگونگی شرایطش پی می برد.

در نمایشنامه های مدرن دیگر سیستم «هگلی» (تئ، آنتی تئ، سنتز) عمل نمی کند و هیچ گونه رابطه علی و معلولی وجود ندارد، بلکه تنها معلول ها مطرح می شوند. به این ترتیب که موقعیتی ساخته شده و شخصیت در آن قرار می گیرد.

مادر آثار مدرن با شخصیت هایی سروکار داریم که صرفاً از پرداختی انتزاعی برخوردارند و حامل ذهنیت هایی خلص هستند. زیرا نویسنده از هر گونه مطرح کردن مسائل بیرونی اجتناب می کند و به هیچ وجه به روانشناسی شخصیت نمی پردازد و همچنین موقعیت اجتماعی شخصیت را به طور مشخصی ارائه نمی دهد. این تجرید یا ابستراکشن در پرداخت شخصیت ها امکان ایجاد ارتباط با آنها را به مراتب مشکل تر از انواع دیگر شخصیت ها می سازد. بنابراین برای درک موقعیت ها و ایجاد ارتباط، مخاطب می بایست از آگاهی و دانش لازم برخوردار باشد. به همین دلیل است که نویسنده مدرن اعتقاد دارد اثر او در صورت دریافت صحیح مخاطب قابل ارتباط است و در واقع پنجاه درصد از مسئولیت درک اثر هنری را به عهده مخاطب می گذارد.

### ۷- زبان در آثار مدرن:

زبان در آثار مدرن غالباً کوتاه تلگرافی و محاوره ای است. در تمامی این آثار، زبان نقش اساسی و محوری ایفا می کند، چه در نمایشنامه های خوش ساخت که از طریق پرداخت زبان و دیالوگ ها حرکت نمایشی را به جلو می برند و در واقع دیالوگ ها جای عمل دراماتیک را می گیرند و چه در انواع دیگر از آثار مدرن که زبان حالت سنگواره ای دارد و نویسنده از عامل زبان استفاده می کند تا بتواند از نبود ارتباط انسانی انتقاد کند. به این صورت که زبان به عنوان عامل اولیه و قدیمی و ابتدایی برای ایجاد ارتباط بین انسان ها تبدیل به عاملی سنگواره ای شده و از ماهیت خود تهی گشته و بلبل به عنصری برای نبود ارتباط بین انسان ها می شود.

بی نوشت:

- ۱- Romanticism
- ۲- Realism
- ۳- Modernism
- ۴- Naturalism
- ۵- Darwinism
- ۶- Surrealism
- ۷- Absordism
- ۸- Expressionism

نویسنده و عضو کانون علی متقدان تئاتر

